

## **Comparative study of human status in the holy places of ancient Iran and India (Case study: fire temple and stupa)**

**Maryam Ebrahimi<sup>\*</sup>, Mansour Mehrnegar<sup>\*\*</sup>**

**Pejman Dadkhah<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Although the religions of Zoroaster and Buddha have common points in their teachings and beliefs, they differ from each other in religious culture, especially in the worldview of human orientation. As in Zoroastrian thought, man is called to monotheism and is in the position after God as his representative on earth. However, in Buddhism, man himself is the central subject of religion and he himself is able to reach the level of divinity, that is, the level of perfection. Accordingly, the present study, which has been done in a descriptive-analytical and comparative manner and relying on library sources, case by case study the structure of the two places of worship-holy fire temple and stupa in the two ancient civilizations of Iran and India to answer this question What characteristics are crystallized in the body and architectural space of the two Zoroastrian and Buddhist ideas to emphasize their sacredness? The results indicate that because the view of Zoroastrianism on man is optimistic and realistic in the direction of his survival, growth and movement, so the fire temple has always been built high, introverted and without any decorations. However, due to the wave of human perdition and non-existence in Buddhism, the location of the stupa is on a flat surface and has been constructed extroverted and richly decorated with physical symbols. However, both

<sup>\*</sup> Master of Art Research, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran (Corresponding Author),  
Maryam.ebrahimi07@yahoo.com

<sup>\*\*</sup> Assistant Professor, Department of Naser Khosrow Higher Education Institute, Saveh, Iran,  
M.mehrnegar@hnhk.ac.ir

<sup>\*\*\*</sup> Teacher of Art Department, Naser Khosrow Higher Education Institute, Saveh, Iran, P.dadkhah@hnhk.ac.ir

Date received: 13/04/2024, Date of acceptance: 31/07/2024



## Abstract 2

buildings have similarities in the main elements of the design and plan due to their ritual influence from each other.

**Keywords:** Holy Art, Iran and India, Zoroastrianism, Buddhism, human status, fire temple, stupa.

## مطالعه تطبیقی جایگاه انسان در مکان‌های مقدس ایران و هند باستان (نمونه موردی: آتشکده و استوپا)

مریم ابراهیمی\*

منصور مهرنگار\*\*، پژمان دادخواه\*\*\*

### چکیده

آیین‌های زرتشت و بودا اگرچه در تعالیم و باورها دارای نقاط مشترک می‌باشند، لیکن در فرهنگ دینی به ویژه جهان‌بینی بر محوریت انسانی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. چنانکه در اندیشه زرتشتی انسان به یکتاپرستی دعوت شده و در جایگاه بعد از خداوند به عنوان نماینده‌اش در زمین است. حال آن‌که در آیین بودا انسان خود موضوع محوری دین می‌باشد و خودش قادر است به مرتبه خدایی، یعنی به مرتبه کمال برسد. بر این اساس، پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی تحلیلی و تطبیقی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، به صورت موردی ساختار دو مکان عبادی-قدسی آتشکده و استوپا را در دو تمدن باستانی ایران و هند مورد بررسی قرار می‌دهد تا بدین سوال پاسخ دهد که چه مشخصه‌هایی در کالبد و فضای معمارانه دو اندیشه زرتشتی و بودایی تبلور یافته تا بر وجه قدسی بودنشان تاکید گردد؟ نتایج بیانگر آن است که چون نگاه آیین زرتشت به انسان خوش‌بینانه و واقع‌گرایانه در جهت بقا، رشد و حرکت اوست، لذا آتشکده همواره بر فراز بلندی، درونگرا و فاقد هرگونه تزئینات بنا شده است. در حالی که به دلیل موج زدن نگاه فنا و نیستی انسانی در آیین بودا، محل قرارگیری

\* کارشناس ارشد، پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)،

Maryam.ebrahimi07@yahoo.com

\*\* استادیار، گروه موسسه آموزش عالی ناصرخسرو، ساوه، ایران، M.mehrnegar@hnhk.ac.ir

\*\*\* مدرس، گروه هنر، موسسه آموزش عالی ناصرخسرو، ساوه، ایران، P.dadkhah@hnhk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰



استوپا در سطح هموار است و به صورت برونگرا و با تزئیناتی وافر از سمبل‌های جسمانی احداث شده است. با این وجود، هر دو بنا با تأثیرپذیری آیینی از یکدیگر در عناصر اصلی طرح و نقشه شباهت‌هایی را دارا هستند.

**کلیدواژه‌ها:** هنر مقدس، ایران و هند، آیین زرتشت، آیین بودا، جایگاه انسان، آتشکده، استوپا.

## ۱. مقدمه

انسان همواره در طول تاریخ جهت پاسخ‌گویی به نیازهای متعدد خود همچون امورات مذهبی، زیستی، دادرسی و حکومتی بناهای معمارانه متفاوتی را طراحی و پی‌ریزی کرده است. بناهایی که گاه عملکردی واحد و گاه عملکردهایی چندگانه داشته یا تحت نظارت نهادهای اجتماعی، عملکردی ویژه یافته‌اند. مکان مقدس از جمله این بناها است که فضای مناسبی را فراهم می‌سازد تا انسان بتواند اتصال و ارتباط با عالم ماورا و معنوی را بنیان نهد، تمام وجودش را برای تقرب به معبود مهیا سازد، از دل‌بستگی‌های دنیوی رها گردد و روح خود را به پرواز درآورد. به عبارتی سوای فرم و ساختار ظاهری عبادی‌اش، به دلیل حاکم بودن گونه‌ای قدسیت بر کالبد و فضای خود موجب می‌شود تا با قابلیت تمیز از سایر مکان‌ها مقدس‌گونه برای انسان تعریف و تفسیر شود، در ارتباطی مستقیم با عوالم موجود در ذهن باورمند وی قرار گیرد و توجهش را به مثابه مخاطب به صور اشیا و اعمال موجود در کالبد خود متمرکز کند.

در این راستا، نوشتار حاضر مکان‌های مقدس دو حوزه تمدنی ایران و هند باستان، یعنی آتشکده و استوپا را مورد مطالعه قرار می‌دهد تا نقاط اشتراک و افتراق این دو بنای معمارانه متأثر از محوریت انسان در اندیشه‌های زرتشت و بودا را به روش توصیفی تحلیلی و تطبیقی استنتاج گرداند. بی‌شک تمهید پاسخ درخور این هدف مواجهه با فرضیه مهمی است: هر چند آتشکده و استوپا دارای تشابهات و تفاوت‌هایی هستند، لیکن تمامی این موارد بر وجه قدسی بودنشان تأکید دارد. در این جا ذکر سه نکته شایان توجه است: اولاً درک بصری زیباشناسانه این بناها صرفاً در جهت تحلیل مشخصه قدسی‌شان می‌باشد. ثانیاً نگارندگان بر آن نیستند تا الزاماً بیان دارند که چون آتشکده و استوپا مکان‌های عبادی هستند، بنابراین مقدس محسوب می‌شوند. البته در این راستا، چارچوب نظری شاخصی را طرح می‌کند. ثالثاً مشخصه‌هایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در پلان‌های اکثر این مکان‌ها مشترک هستند.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش؛ تبیین مکان مقدس

میرچا الیاده یکی از نظریه‌پردازان در حوزه تبیین مکان‌های مقدس و نامقدس، مشخصه‌هایی را در این زمینه مطرح می‌کند. بر اساس همین الگو و نظریه می‌توان آن‌ها را به هر دو مکان مقدس آتشکده و استوپا تعمیم داد:

### ۱.۲ مکان مقدس دارای نوعی تمایزگزارى در جایگاه و موقعیت

تمایزی که سبب می‌شود تا فرد در هنگام قرارگیری در فضای شکل گرفته آن مکان، ارتباطی معنوی با عالم ماورا و معبود برقرار کرده و احساس پیوند بیشتری با کل هستی نماید و به نحوی به آرامش و امنیت درونی برسد. در حالی که مکان‌های نامقدس سرشار از بی‌نظمی و بیهودگی هستند.

### ۲.۲ مکان مقدس در تقابل با سایر مکان‌ها

این مکان‌ها در تقابل با سایر مکان‌ها از نظم و ثباتی ویژه برخوردار است. بدین معنا که دستیابی به یک نقطه ثابت و تبدیل بی‌نظمی به نظم را ممکن ساخته و تجربه‌ای مذهبی را برای انسان متدین رقم می‌زند. چنان‌که وی در آن دچار احساس روحی متفاوتی شده و می‌پندارد با کارهای خود، برگزاری مناسک و رفتارهای اجتماعی - دینی، کار اولیه خدایان: نظم دادن به امور متشتت و بی‌نظم را تقلید و بازسازی کرده است.

### ۳.۲ آستانه بودن

مشخصه‌ای دیگر است که انسان را از یک مرحله به مرحله دیگر می‌برد. در مکان مقدس به واسطه این مشخصه نظم اخلاق بر نظم فنی یا به عبارتی نظم درونی بر نظم بیرونی اهمیت می‌یابد. به طوری که انسان، دری که به اندرون باز می‌شد را در واقع به معنای راه حل مشکل تداوم مکانی می‌یابد. برای وی آستانه‌ای که این دو مکان را از یکدیگر جدا می‌سازد، بیانگر جدایی و فاصله میان دو حیث عرفی و حیث دینی است که از یکدیگر متمایز ساخته و آنها را در مقابل هم قرار می‌دهد. در عین حال، مکان متناقض‌نمایی می‌باشد که دو جهان در آنجا تلاقی کرده و گذر از جهان عرفی به جهان ماورایی امکان‌پذیر می‌گردد (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۷۳).

## ۴.۲ ارزش هستی‌شناسانه مکان مقدس

بدین معنا که چون از نظر انسان، مکان متجانس و همانند نبود، وی گسست‌ها و گسیختگی‌هایی را در آن تجربه می‌کرد و معتقد بود هیچ جهانی در آشفتگی و آشوب تجانس و نسبیّت مکان عرضی پیدایش نمی‌یابد. لذا بر خود لازم می‌دانست تا جهان را بنیان نهد، منزلگاه خود را در مرکز آن بنا کند و در مقابل این وزن ذاتی و شناختی، یک وزن عرضی و ادراکی در فضا وارد نماید. به همین دلیل مکان مقدس را همچون یک توده وزن‌دار و انبوه نیروهایی می‌یافت که عینیت کالبدی‌اش در تبعید از وجه ذهنی فضایی‌اش، خمیدگی معناداری از کامل بودن، کمال، درستی و خوشی را باز می‌نمایاند.

## ۵.۲ تعالی نمادین

مکان مقدس تنها به واسطه کالبد و فضایش احساس نمی‌گردد. بلکه چون به چیزی بیش از خود برگردانده شده و با در برداشتن بار معنایی نمادین علامتی برای امر مقدس می‌گردند. لذا ابزاری برای ارتباط با عالم ماورا یا تجلی‌گاه قدرت معبود به شمار می‌آید (الیاده، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶).

## ۳. تعالی محوری در دین زرتشت و بودا

در اندیشه زرتشت «اهورامزدا» آفریدگار هستی، آغازگر و سرانجام دهنده به آن است. او هم سرچشمه منش پاک و هم آفریننده راستی و درستی است و با دادگری اعمال و کردار مردمان را دآوری می‌کند. خدایی واحد و خالق همه جهان که به هیچ مکان و زمان و قوم خاصی وابستگی ندارد و در گات‌ها به عنوان علم مطلق، خالق همه پدیده‌ها، اعظم، رحیم، عادل و قادر بر همه چیز معرفی شده است. با چنین برداشتی، «زرتشت» در سیمای یک پیامبر الهی و در لباس موحدی واقعی خداوند را در اوج توحید می‌ستاید و انسان را به یکتا پرستی‌اش، در جایگاهی ثانی به عنوان نماینده‌اش روی زمین دعوت می‌کند. چنانکه در کامل‌ترین وجه و الگوی تمام عیار انسانی با در نظر نداشتن کسی جز خدا می‌تواند به عنوان سوشیانت، یاور و نگهبان آیین مزدیسنا باشد، مردم را به رستگاری و نجات از جهل، نادانی، ظلم و ستم فراخواند، به آنها سود رساند و نیکوکاری و وفاداری آنها را به سوی راستی، درستی، خیر و صلاح هدایت نمایند.

هدف اصلی دیانت زرتشتی فراهم آوردن تمهیدات جهت پیروزی نهایی خیر و خوبی است. برای نیل به این مقصود باید از غم و اندوه که توان آدمی را می‌کاهد و از ساخته‌های اهریمن است، سخت پرهیخت. هر زرتشتی مومن باید اهورامزدا را که آفریننده همه خوبی‌هاست با شادی و مسرت پرستش نموده، کارهای روزانه اش را با رضایت و خرسندی انجام دهد و به سه سلاح جنگ افزار کاربُر خود یعنی: گفتار، پندار و کردار نیک، با اهریمن و آنچه او آفریده مبارزه کرده و آن‌ها را از خود دور براند تا امکان شکست اهریمن و پیروزی نهایی نیکی بر بدی فراهم آید (باقری، ۱۳۸۷: ۳۹).

با این حال در اندیشه بودا، انسان خود موضوع محوری دین می‌باشد و خودش قادر است به مرتبه کمال برسد. خدایی وجود ندارد و لذا بشر پایین‌تر از هیچ کس نیست. او خود موضوع محوری دین می‌باشد و قادر است به مرتبه خدایی یعنی به مرتبه کمال برسد. هرچیزی در عالم ناپایدار و گذرا است. آنچه ابدی است، مرتبه‌ای روحانی و متعال به نام نیروانا، که ماهیتش در سومین حقیقت شریف «بودا» (فرو کشتن احساسات و تمایلات) بیان شده و انسان می‌تواند با تلاش به این مقام والا دست یابد. او به لطف و رحمت هیچ نیروی برتری نیازمند نیست، تنها باید به طور مکفی تلاش نماید و با افسون، جهل و نادانی، به دام وسوسه‌های حسی نیفتد که علت نقص و رنج و آلام اوست. بودا راه‌های مشخصی را برای رهایی از وسوسه‌های دروغین دنیوی و رسیدن به نیروانا (مقام خداگونگی) پیشنهاد کرده است (وب سایت پرسمان دانشگاهیان، ۱۳۹۱).

#### ۴. ایران (آتشکده)

مهمترین عنصر در تشریفات و مراسم کیش زرتشتی و مذاهب مربوط بدان، آتش مقدس است که به عنوان نمادی رمز آمیز از الوهیت نامریی است که همچون رشته و عقده‌ی سه عالم (آسمان-فضا-زمین) را به هم می‌پیوندد. آذر در مزدیسنا از زمره بزرگترین داده‌های اهورامزدا و میانجی بین آفریدگان و آفریدگار است و هموست که نیایش‌ها و دعاهای مردمان را به بارگاه مزداهورا می‌رساند. احترام به آتش بخشی از میراث مذهبی مشترک هند و ایرانی است و حفظ حرمت و بزرگداشت آتش به ویژه در رسم همواره افروختن و پاییدن آن از خاموشی و نیز مهم‌ترین عنصر حاضر به هنگام نیایش‌ها، متبلور می‌شود (باقری، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۹).

یکی از مهم‌ترین بناهای معمارانه برجای مانده از دوره ایران باستان، آتشکده یا آتشگاه است. این مکان مقدس، معبدی انبوه از تمثیل‌های مجسمه‌وار الهه‌ها جهت گردآمدن انسان‌های

متدین نبود، بلکه فقط به مثابه نشانه‌ای خداوندی و چراغ راهنمای کردار انسان‌ها (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۲۰)

برای نگهداری آتش و تشریفات مذهبی و نیایش زرتشتیان از سده‌های پیش از اسلام به شمار می‌آمد. در دوران هخامنشیان، به صورت فضای باز با آتشی شعله‌ور بر روی سکوهایی بلند بود. لیکن پس از تدوین احکام دین زرتشتی در زمان ساسانیان و نیاز بیش از پیش به ترویج این دین، دستگاه حکومتی مقرر کرد تا جای جای ایرانشهر آتشکده را چنان بسازند که نور آفتاب به آتش نتابد. لذا این عنصر مقدس در زیر سقفی قرار داده شد که به شکل بنایی چهارگوش با چهار در و طاق گنبدی - معروف به چهارطاقی - در مرکز آتشکده ساخته می‌شد. اتاق مهم دیگر یزشن‌گاه بود که در آن آتش را وقتی برای نیایش در معرض دید نیست، شعله‌ور حفظ می‌کردند. حیاط‌ها، باغ‌ها، انبارها، سکونت‌گاه موبدان و اتاق‌های خزانه از فضاهای دیگر آتشکده بودند (پورحقانی، ۱۳۷۷: ۲۸).

یکی از آتشکده‌های مهم و بزرگی که مرکز مذهبی شاهنشاهی ایران و مکان دیگر فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شد، آتشکده آذر گشنسب بود. نخست دادگاهی که موبد بر کرسی خویش به دادرسی مردم می‌پرداخت و چون ایزد مهر نگهبان پیمان و داد دانسته می‌شد، این مکان به «در مهر» نیز معروف شد. دوم درمانگاهی جهت مداوای جسم، سوم آموزشگاهی مجهز به کتابخانه جامع برای تعلیم دروس دینی و دیگر امور قومی، چهارم انبار ملزومات و غنائم و پنجم مالیات و محل امور اوقافی و نیز مکانی برای ورزش و سواری و مسابقات بود (اوشیدری، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲). گفته شده است که هنگام تاجگذاری و جنگ، پیاده از تیسفون به آنجا می‌رفته‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

این چنین آتشکده‌ای به واسطه عملکردهای علمی، مذهبی و داشتن گنجینه‌های علمی و دینی به گنج شیزیکان - محل تخت سلیمان فعلی - شهره یافت.



مطالعه تطبیقی جایگاه انسان در مکان‌های مقدس ایران ... (مریم ابراهیمی و دیگران) ۹



پلان تخت سلیمان (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۰۷)



آتشکده آذر گشنسب (www.sassanids.com)

تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۳/۱۰

## ۱.۴ ویژگی‌های ساختارمند آتشکده

### ۱.۱.۴ جایگاه مغان

محل پیشوایان و موبدان زرتشتی بود که به مناسک روزانه همچون اجرای احکام طهارت، گوش سپردن به اعترافات گناهکاران، بستن کُستی، اعیاد مذهبی و ... می‌پرداختند.

### ۲.۱.۴ نشان اسطوره‌ای

آتش در دین زرتشتی به دلیل پاکی و پاک‌کنندگی، درخشندگی، نظافت، برومندی و فسادناپذیری، کامل‌ترین نشان خداوندی، مظهر اهورامزدا، برخواندن و ستودن اوست. چنان‌که یادآور فروغ رحمانی، موهبت ایزدی، ماهیت و جوهرش در اوستا به فرّه دانسته شده و آن فروغ یا شکوه خاصی است که از طرف اهورامزدا به پیامبر یا پهلوانی داده می‌شود. رهیافت به آن در قسمت‌های مختلف اوستا نیز مرکزیت این اسطوره در دین زرتشت را می‌نمایاند. به گونه‌ای که جهت بازنمودش در سنت مزدیسنا آورده شده زرتشت آتش جاودانی با خود داشت. در یشت ۱۹ بند ۵۹ آمده ایزد اتر بر سر فرّه با اژی‌دهاک در می‌افتد و درگیر می‌شود. در یسنا، هات ۶۲ به ایزد آذر اختصاص دارد و نیز در خرده اوستا یکی از نیایش‌ها به نام آتش نیایش است. امشاسپند اردیبهشت، نگهبانی آتش‌ها را به عهده دارد و ایزد آذر از همکارانش به شمار می‌آید. به سبب ارزش و اهمیت همین اسطوره، در اردی‌بهشت روز (روز سوم هر ماه) مراسم نیایش به جا آورده می‌شود و آتشدان فروزان آتشکده به منزله جایگاه ویژه محراب فرض می‌گردد.

مهمترین عامل در تشریفات و مراسم زرتشتی آتش مقدس است. آتش نشانه ای مادی از تصور الوهیت قابل رویت وجودی است که خود منبع روشنایی و پاکی محض است و این بازتاب همان اعتقادی است بر مبنای آن خورشید تابنده و روشن چشم مزدا تصور شده که از فراز آسمان‌ها به تمامی جهانیان می‌نگرد و همه چیز را می‌بیند و در می‌یابد. (باقری، ۱۳۸۷: ۳۸).

### ۳.۱.۴ نمادهای ساختاری

چهارطاقی آتشکده ساختار مربع شکلی دانسته می‌شود که از چهار طرف ورودی توسط طاق‌های هلالی شکلی متصل به پایه‌های منتهی در هر ضلع تشکیل شده‌است. در بالای هر یک

از پایه‌ها، فیلیپوش‌هایی قرار دارند که با چفت شدن به یکدیگر در مربعی کوچکتر و هندسی، تشکیل گنبدی گرد را داده‌اند. در پیرامون هم، تالار طوافی با راهروهایی در گرداگرد بنای اصلی می‌باشد که سقفش با طاق پوشانده شده‌است. چنین ساختاری در چهار سمت دلالت معنایی در چهار گوشه‌ای دارد که دورترین نقاط دست‌نیافتنی سطح زمین را در قالب جهانی ملموس و بی‌نهایت محسوس می‌نمایاند. در بدنه مکعبی و پلان مربعی‌اش دارای الگویی آسمانی، رمزی و متضمن تصور استحکام، استقرار، ایستایی و نمودگار زمین است که ورود به ساحت مقدس آتشکده را امنیت و آرامش می‌بخشد. پایه‌های اطراف در حالی که فضا را از زمین به آسمان محدود می‌کنند، به مثابه کانون موجودیت بنا راهیابی به عالم معنا را نشان می‌دهند. همان‌گونه که به مناسبت تقدیس مکانی‌اش کانون عالم به شمار می‌رفت (فلامکی، ۱۳۷۱: ۲۳۸).

پلان مربع چهارطاقی در قسمت بالا به دایره (گنبد) تبدیل می‌شود و این یعنی رسیدن از شکلی که ابتدا، انتها، آغاز و پایان دارد به شکلی که نه ابتدا و انتها و نه آغاز و پایان دارد. در انتها گنبد نماد آسمان و جایگاه گذر از زمین به آسمان است که به طور کلی ساختار چهارطاقی را هم‌تا و هم‌زاد حرکت و پیوند پایدار آدمیان، مظهر روشنی، روشنگری و خواستار از میان برداشتن تاریکی و تیرگی نشان می‌دهد.

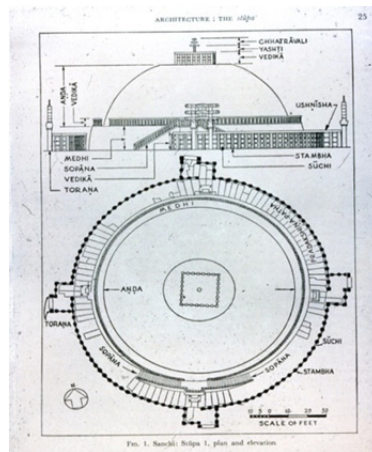
#### ۴.۱.۴ عناصر طبیعت

توجه به طبیعت و گرمی داشت مظاهر آن مانند آب، باد، خاک و آتش مقدس از آنجا که با زندگی انسان و نیازهایش در ارتباط بوده، ایزدانی بر آنها منسوب شده و در مناسک آتشکده مورد استفاده قرار می‌گرفتند. چنان‌که مهر، مظهر نور و فروغ خورشید در کنار آب پرستش می‌شد و نیایش آن‌ها ایزدبانوی آب، باروری و حاصلخیزی با وجود سایر عناصر طبیعی انجام می‌گردید.

#### ۵. هند (استوپا)

استوپا یکی از بناهای قدیمی هند است که مانند بیشتر ابنیه هندی، بیش از یک کارایی یا وظیفه دارد. این بنا به عنوان محلی برای نگاه‌داری از خاکستر مردگان، مقدس و پرستیدنی، نماد مرگ بودا یا نشانه آیین بودا است. استوپا یک نمودار کیهانی است که دروازه‌هایش چهار نقطه اصلی تاکید بر کوه جهانی به شمار می‌روند (گاردنر، ۱۳۸۷: ۶۸۳).

۱۲ مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، سال ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳



پلان استوپای سانچی ([www.arthistory.upenn.edu/sanchi](http://www.arthistory.upenn.edu/sanchi))

تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۳/۱۰



استوپای سانچی ([www.britannica.com/place/Sanchi-historical-site-India](http://www.britannica.com/place/Sanchi-historical-site-India))

تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۳/۱۰

مطالعه تطبیقی جایگاه انسان در مکان‌های مقدس ایران ... (مریم ابراهیمی و دیگران) ۱۳



تزیینات استوای سانچی ( [www.britannica.com/place/Sanchi-historical-site-India](http://www.britannica.com/place/Sanchi-historical-site-India) )

تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۳/۱۰

با گذشت زمان فرم این بنای معمارانه تغییر پیدا کرد و به مرور بر روی پایه‌ای چهارگوش یا مدور، گنبد‌های بزرگ ساخته شد و بخش‌هایی نیز به آن اضافه گردید؛ از جمله دروازه و حصاری که دورتا دور بنای سنگی این گنبد را فراگرفته و سایبان یا مسیری که منحصرأً برای طواف و گشتن به دور استوپا کشیده شد. با این وجود، اگرچه استوپا به نشانه پیروزی بودا بر پندار، یعنی نیروانا و به مثابه یک شمایل موثر باقی ماند (فیشر، ۱۳۸۴: ۲۱)، لیکن ساختارش نسبت به این که نقش یک مقبره را داشته باشد یا تنها همچون نمادی برای پرستش و نیایش آیین بودایی باشد، تغییر کرد. لذا دو گونه بنای بودایی شکل گرفت: یکی به منظور تسهیلات گوناگون، نشان دادن ستایش و نیایش پیکره‌ها و اقامتگاه رهروان ساخته شد که برای بقای آیین بودایی لازم بود (همان: ۳۰-۳۱) و از پنج قسمت اصلی شکل یافت. به نحوی که انسان متدین می‌توانست ضمن گردش به دور گنبد، دعای خویش را نثار استوپا کند. بنابراین می‌توان گفت که

استوپا، مانند بیشتر ابنیه هندی، بیش از یک کارایی یا وظیفه دارد. این بنا به عنوان محلی برای نگاه داری از خاکستر مردگان، مقدس و پرستیدنی، نماد مرگ بودا یا نشانه آیین بودا به طور کلی است. مومن، ضمن گردش به دور گنبد، دعای خویش را نثار استوپا می‌کند. (گاردنر، ۱۳۸۵: ۶۸۵).

## ۱.۵ ویژگی‌های ساختارمند استوپا

### ۱.۱.۵ جایگاه بودا

در محل نگهداری خاکستر بودا، شمایل نشسته‌ای از بودای ریاضت‌کش بدون رنگ و به رنگ طبیعی مصالح دیده می‌شود که تقریباً همانند شیوه بیان هنری سایر تندیس‌هایش است. وی با بدنی اغراق شده و اسکلتی که تنها بافت نازکی از پوست بر استخوان دارد، به حالت یوگای نشسته، صورت استخوانی با چشمانی بسته و چهره‌ای آرام با گوش‌هایی بلند، کشیده و موهایی دو تکه جمع شده در بالای سر می‌نماید. پشت سرش هاله‌ای مقدس با نقش و نگارهای گیاهی بسیار پر کار و ظریف تجسم یافته‌است.

### ۲.۱.۵ جایگاه اساطیری

بر هر وجه از مناره‌ها، قطعاتی چلیپایی و تکیه‌گاه‌هایی انبوه از گیاهان، اشکال انسانی و حیوانی اسطوره‌ای ترسیم شده‌است. چرخ قانون: تمثیل دور زندگی، مرگ و تولد دوباره یا تناسخ،

مطالعه تطبیقی جایگاه انسان در مکان‌های مقدس ایران ... (مریم ابراهیمی و دیگران) ۱۵

آموزش بودا و هشت سخنرانی او با هشت لاکه و نشانه هشت راهی است که به روشنگری می‌رسد. گل نیلوفرآبی: وجه تجلی جهان هستی و آفرینش و خلوص را در بر دارد. درخت تنویر نشانه حیات و جاودانگی و جای پا، مستقیماً به شخصیت تاریخی مذهبی بودا اشاره دارد. شیر اسطوره‌ای از خدای نارسیمها با وظیفه رهایی جهان از ستم و تهاجمات اهریمن است. فیل، اسطوره گانشا خدای علم و دانایی، پرنده نشانی از گروه الهه و آتش تجلی الهه آگنی هستند.

### ۳.۱.۵ نمادهای ساختاری

استوپا دارای چهار ورودی در چهار جهت قطب نماست که در وجه نمادین نموداری کیهانی تصور می‌گردد و دروازه‌هایش تاکید بر چهار سمت شمالی، شرقی، جنوبی و غربی عالم به شمار می‌روند. در بالای گنبد فضای مربع شکل محصور به نام «هارمیکا» قرار دارد که در وسط آن دکل مزین «یاستی» با چند پر نصب شده است. هارمیکا نماد بهشت خدایان سی و سه گانه و یاستی به عنوان محور عالم است که از طریق هارمیکا اوج می‌گیرد و بدین طریق عالم هستی و صحنه‌های روایتی‌اش را پوشش می‌دهد. (هوهنه، ۱۳۷۶: ۳۱). به عبارتی این چتر سه طبقه به مثابه درخت مقدس به سمت بهشت سربرافراشته و در این راستا از طریق بدنه‌اش با خاک حاصلخیز زمین به قدرت‌های آسمانی پیوند خورده است (کریون، ۱۳۸۸: ۸۰).

پلان استوپا پایه مربع شکلی است که گنبد به ارتفاع پانزده متر و از جنس آجر را نگه داشته است. مبدل شدن مربع در کف به دایره در پلان گنبد، نماد حرکت پیوسته به سوی آسمان کیهانی، رفتن از حریمی محصور و مقدس به ابدیت و بقا، الوهیت، جهان معنوی، نادیدنی و متعالی است (هوهنه، ۱۳۷۶: ۳۱).

چنان‌که منارهای مخروطی شکل آن نیز تاکید ضمنی بر این مفاهیم نمادین هستند.

### ۶. تحلیل قدسی بر ویژگی‌های ساختارمند آتشکده و استوپا

با توجه به چارچوب نظری مطرح شده می‌توان حاکم بودن قدسیت بر مشخصه‌های ساختاری دو مکان را چنین تحلیل کرد:

۱.۶ نوعی تمایزگذاری در مکان‌های قدسی وجود دارد. در آتشکده‌ها مراسم در فضای باز و بدون حصار و مسیری مشخص برای طواف صورت می‌گرفت. در استوپاها دروازه حصاری دور بنا و سایبان در مسیری برای طواف کاملاً مشهود است.

۲.۶ در آتشکده‌ها بر طبق نظم خاص هر یک از عناصر و رابطه‌اش با سایر اجزا تعریف شده‌است، مانند جایگاه آتش، موبدان، یزشن گاه، حیاط و باغ و در استوپا هم جایگاه بودا، تزئینات اساطیری و نمادین سایر عناصر به گونه‌ای هماهنگ و در جهت ثبات و نظم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

۳.۶ بر اساس آستانه‌بودن مکان‌های قدسی و از نظر ورودی، هر دو بنا دارای چهار درب در چهار جهت اصلی می‌باشند. علاوه بر آن آتشکده‌ها درونگرا و اصل حرکت از بیرون به درون (از کثرت به وحدت) و در استوپا به علت برونگرا بودن، حرکت از درون به بیرون صورت می‌گیرد.

۴.۶ بر اساس ارزش هستی‌شناسانه، به نوعی ادراک اسطوره‌ای در دو بنا پرداخته شده‌است که در آتشکده به اهورامزدا و در استوپا به اسطوره‌های نارسیمها، گانشا، گروده و اگنی پرداخته شده است.

۵.۶ مکان مقدس بار معنایی نمادین دارد که در آتشکده آتشدان و چهارطاقی و در استوپا چرخ قانون (نماد تولد دوباره)، گل نیلوفر آبی (نماد بی‌مرگی)، فیل (نماد بودا)، شیر (نماد رهایی از ستم)، پرنده (نماد بودا)، آتش (نماد تطهیر و پاکی) از آن جمله‌اند.

جداول زیر که شامل تحلیل فضایی آتشکده و استوپا، اشتراک و افتراق در فضاها و تحلیل فضای معماری این دو بنا است، به ارزشمندی و قدسیت انسان در دو بنای مقدس اشاره دارد.

جدول ۱. تحلیل فضایی دو بنای آتشکده آذر گشنسب و استوپای سانچی

نام بنا	پلان	ورودی	فضای دینی	معماری	کارکرد	فضاها
آتشکده	ربعی شکل	۴ درب در ۴ جهت اصلی	محصور کردن فضایی برای انجام مراسم مذهبی که در آتشکده‌ها ارجحیت داشته است.	معماری آتشکده درون‌گرا است.	عبادی-قدسی	۱. یک اتاق شکل چهارطاقی با محراب آتش ساخته می‌شود. ۲. دومین اتاق «یزشن گاه» است. ۳. حیاط‌ها، باغ‌ها و انبارها ۴. سکونت گاه موبدان ۵. اتاق‌های خزانه جایگاه مقدس



مطالعه تطبیقی جایگاه انسان در مکان‌های مقدس ایران ... (مریم ابراهیمی و دیگران) ۱۷

نام بنا	پلان	ورودی	فضای دینی	معماری	کارکرد	فضاها
استوپا	دایره شکل	۴ درب در ۴ جهت اصلی	محصور کردن فضایی برای انجام مراسم مذهبی داشته است.	معماری استوپا برونگرا است.	عبادی-قلیسی	۱. یک پایه مربع شکل ۲. گنبد نیم کره ای ۳. مناره مخروطی ۴. یک هلال ماه ۵. یک صفحه گرد

جدول ۲. اشتراک فضاها در اجزا

تشابهات	آتشکده	استوپا
پلان	پایه‌ای مربع شکل که روی آن را گنبدی می‌پوشاند. پلان مربع ← مربع به دایره تبدیل شده	پایه‌ای مربع شکل که روی آن را گنبدی می‌پوشاند. پلان دایره ← دایره در بالای یک مربع قرار گرفته است.
درب های بنا	۴ درب اصلی در ۴ جهت قطب نما	۴ درب اصلی در ۴ جهت قطب نما
گنبد	دارد. در هر دو مشترک است.	دارد. در هر دو مشترک است.
تاثیر پذیری	آتشکده الگوی تاثیر استوپا	شکل کلی استوپا از معماری آتشکده زرتشتی است.

جدول ۳. افتراق در فضاها و اجزای آنها

تفاوت ها	آتشکده	استوپا
نور و رنگ	هر کدام بر اساس سنت های دینی و فرهنگی خود از رنگ و نور استفاده کرده اند.	متفاوت با آتشکده
محل قرارگیری	بر فراز بلندی بنا شده است.	در سطح هموار بنا شده است.
کاربری	آتشکده هر کدام برای یک طبقه خاص بوده است.	برای عموم بوده است.
خصوصیت مکان	درونگرا است.	برونگرا است.
تزئینات	فاقد هر گونه تزئینات	تزئینات با تکیه بر سمبل ها و رموز دینی است.

جدول ۴. تحلیل فضای معماری آتشکده و استوپا

فضای معماری آتشکده	فضای معماری استوپا
اصل ارزش گذاری یکسان فضاها	اصل استفاده از آموزه های بودایی
اصل تنوع	تنوع در انواع عبادت گاه ها با توجه به دوره های مختلف
اصل حرکت از کثرت به وحدت، از بیرون به درون	حرکت از درون به بیرون است. برای چرخش و عبادت در آن مکان
اصل عدالت	تجسم آیین ها و سخنان بودا در بنا
اصل شفافیت	استفاده از نمادها و مجسمه ها، ولی نور زیادی در این بناها وجود ندارد.
توجه به جهات اصلی قطب نما	توجه به جهات اصلی قطب نما
اصول تعامل متناسب صورت با معنا	تسلط ماده و کالبد بر روح و مفهوم
استفاده از آتش گنبد روی گوشواره	مجسمه بودا، استفاده از نمادها و تمثیل ها(دایره، چرخ و فیل) برای تزئینات
رنگ خاصی ندارد	این معبد از سنگ است و رنگ خاصی در آن به کار نرفته است.

## ۷. نتیجه گیری

چون در هر دو اندیشه زرتشت و بودا به نوعی بر جایگاه انسان، حیات و فعالیتش در جهان هستی و نحوه رسیدن وی به تعالی و کمال جاودانی اش ارزش بخشیده شده است، لذا بناهای مذهبی در هر دو آیین دارای نقاط اشتراکی هستند که بر وجه قدسی بودنشان تاکید دارند. این اشتراکات عبارتند از: ۱. توصیف نماد دایره برای گنبد ۲. پایه ای مربع شکل و گنبد بر فراز آن ۳. چهار درب در جهات اصلی ۴. نمادی از محور عالم و القا قدسیت ۵. دارا بودن دلالت ها و مفاهیم نمادین و اسطوره ای. نقاط افتراق را نیز باید به دلیل نوع نگاه زرتشت و بودا به نحوه هدایت انسان در رسیدن به مطلوب نهایی دانست. چنانکه آتشکده: ۱. جایگاهی برای مغان در دعوت به یکتا پرستی ۲. پلان مربع ۳. غیر عمومی ۴. درونگرا ۵. فاقد تزئینات ۶. قرارگیری بر فراز بلندی و اما در استوپا: ۱. جایگاهی برای پرستش بودا ۲. پلان دایره ۳. عمومی ۴. برونگرا ۵. تزئینات با تکیه بر سمبل ها و رموز دینی ۶. قرارگیری بر سطح هموار تعریف شده اند. تمام این موارد گرچه از مشخصه های مکان های قدسی به شمار می آیند، لیکن هر دو مکان بر حسب نوع تاثیرگذاری دینی بر مردم و فراهم نمودن بستری برای برقراری ارتباط فرامادی آنها با قدرت الهی یا خدایان ساختاری متفاوت یافته اند.

## کتاب‌نامه

- الیاده، میرچا (۱۳۸۸). *مقدس و نامقدس؛ ماهیت دین*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۹). *نور، آتش، آتشکده در آیین زرتشت*، تهران: جهانگیر اوشیدری.
- باقری، مه‌ری (۱۳۸۷). *دین‌های ایران باستان*، تهران: قطره.
- پورحقانی، محمدرضا (۱۳۷۷). *روح بالدار: پژوهشی در اندیشه زندگی پس از مرگ در ایران باستان*، تهران: ضریح.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معاریان، تهران: سروش دانش.
- دادور، ابوالقاسم و الهام منصوری (۱۳۸۵). *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هنر در عهد باستان*، تهران: دانشگاه الزهرا.
- راپاپورت، اموس (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن*، ترجمه خسرو افضلیان، تهران: کسری.
- فلامکی، منصور (۱۳۷۱). *شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب*، تهران: فضا.
- فیشر، رابرت ای (۱۳۸۳). *نگارگری و معماری بودایی*، ترجمه ع. پاشایی، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- کریون، روی سی (۱۳۸۸). *تاریخ مختصر هنر هند*، مترجمان فرزانه سجودی و کاوه سجودی، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- گاردنر، هلن (۱۳۸۵). *هنر در گذر زمان*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: نگاه.
- هوهنه، آلفرد (۱۳۷۶). *نمادها و نشانه‌ها*، ترجمه علی صلح‌جو، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

انسان و سرنوشت در بودا و اسلام، پیاده شده در ۱۵ فروردین ۱۳۹۱. برگرفته از سایت [www.porseman.com/article](http://www.porseman.com/article)

(تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۳/۱۰) [www.arthistory.upenn.edu/sanchi](http://www.arthistory.upenn.edu/sanchi)

(تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۳/۱۰) [www.sassanids.com](http://www.sassanids.com)

(تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۳/۱۰) [www.britannica.com/place/Sanchi-historical-site-India](http://www.britannica.com/place/Sanchi-historical-site-India)